روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۲۴ شهریور ۱۳۹۹ • ۲۵ محرم ۱۴۴۲ • ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۱۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۰ • اذان مغرب ۱۹:۳۱
اذان صبح فردا ۵:۲۲ • طلوع آفتاب ۶:۴۷

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

فلامینگوها در تالاب بین‌المللی درگه سنگی شهرستان نقده / عکس: مجتبی اسماعیل‌زاده، تسنیم

روایت

حذف به بهانه احترام

مهدی نوریان: **اول.** در چند روز اخیر، حذف تصویر دختران از روی جلد کتاب ریاضی سال سوم دبستان موجی از اعتراض را در فضای مجازی به‌راه انداخته است. روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در بیانیه‌ای به این اعتراضات واکنش نشان داد و اعلام کرد که «تصویر قبلی بسیار شلوغ بود» و در طرح جدید «تصویر خلوت‌تر» شده است. در بخشی از بیانیه آمده است که این «اصلاح» در قالب «پیشنهاد دوستانی که از منظرهای هنری، زیباشناسی و روان‌شناسی بخش‌های مختلف کتاب را بررسی می‌کنند»، انجام شده است. شخص وزیر هم پس از شنیدن صدای اعتراضات در توییتی ادعا کرد که به مسئولان ذی‌ربط مأموریت «رصد، اصلاح و گزارش» داده است و اینکه «دختران میهن شایسته احترام‌اند». جای این پرسش هست که آیا با اتفاقاتی که پیش آمده نباید به این فکر کنیم که معانی متفاوتی می‌تواند بر احترام و زیبایی که قطعا صفات دل‌نشینی هستند، مترتب باشد؟ مثلا نمی‌شود که کسی احترام به زن را این‌طور معنی کند که او در خانه بنشیند و بیرون نیاید و به پخت‌وپز و شست‌وشو و رتق‌وفتق امور منزل بپردازد تا احترامش حفظ شود؟ یا زیبایی را این‌طور ترجمه کند که تربیت فرزند که زیباترین وظیفه یک انسان است وقتی به زن محول شود یعنی زیبایی را به او هدیه داده‌ایم؟ یا مثلا زیبایی زن به معنای دیده‌نشدن اوست؟ با این حساب تعجبی ندارد که حذف دختران از روی جلد کتاب به معنای «احترام» به ایشان و از منظری «زیباشناسانه» انجام شده باشد. براساس همین نگاه است که تصویر دختران روی جلد چیزی اضافی دیده می‌شود و حذف آن نه تنها لطمه‌ای به چیزی نمی‌زند بلکه باعث می‌شود به‌لحاظ «زیبایی‌شناسانه» تصویر را نیز «خلوت‌تر» کند و از شلوغی آن بکاهد. تصویرگر جلد کتاب نیز گفته که چند سال پیش که این طرح را کشیده، طرح اولیه «کلی ممیزی خورد و اجازه ندادند یکی از دخترها بالای درخت باشد! در طرح اولیه جلد کتاب ریاضی سوم دبستان نیز مقام‌های وزارت آموزش‌وپرورش حتی جایی گفته بودند که انگار یکی از دخترهای روی جلد در حال رفتن به سمت یکی از پسرهاست که او را بغل کند».

دوم. تلاش برای تکوین ذهنیت افراد توسط حکومت، مورد مطالعه اندیشمندان و متفکران علوم انسانی بوده است. زمانی کارل مارکس در «ایدئولوژی آلمانی» نوشت که ایده‌های طبقه حاکم در هر دوره‌ای ایده‌های حاکمِ آن دوره است؛ یعنی طبقه‌ای که نیروی مادی جامعه را در اختیار دارد به‌طور هم‌زمان، نیروی فکری حاکم بر آن نیز است. بعدها نظریه‌پردازانی به مرور به شیوه دیگری به ماجرا نگاه کردند. آنها گفتند که این‌طور هم نیست که حاکمیت همیشه در تکوین ذهنیت مردم موفق باشد. این نظریه‌پردازان از مقاومت مردم در پذیرفتن ایده‌های حاکم سخن به میان آوردند. به این ترتیب استوارت هال در مقاله «رمزگذاری و رمزگشایی» خود مطرح کرد که مخاطبان ضرورتا پیام‌ها را با معانی مرجعی که فرستنده در آنها قرار داده رمزگشایی نمی‌کنند. هال معتقد بود که هرچند برخی از مخاطبان ممکن است معنای مرجع فرستنده را بپذیرند اما برخی از آنان نیز ممکن است آن را نپذیرفته یا حتی عده‌ای از آنها آن معنا را به چالش بکشند. میشل دوسرتو از تاکتیک مقاومتی مردم در برابر استراتژی ساختارهای قدرت در زندگی روزمره حرف زد؛ اینکه مردم ازطریق کنش‌های خود در زندگی روزمره در برابر استراتژی طبقه حاکم مقاومت می‌کنند و آنها را به چالش می‌کشند و به مرور آنها را متزلزل می‌کنند.

سوم. اما طراحان و متولیان حذف تصویر دختران از روی جلد کتاب چقدر در تکوین ذهنیت مخاطبان موفق هستند؟ درست است که معنای مرجع خویش را به شکل پیامی (و البته صدها پیام دیگر) به دانش‌آموزان رسانده‌اند. محمد رضایی در کتاب «ناسازه‌های گفتمان مدرسه: تحلیلی از زندگی روزمره دانش‌آموزی» نشان می‌دهد که چطور «گفتمان سیاسی حاکم، گفتمانی ناکارآمد بوده و گاه در نزاع گفتمانی عرصه را به گفتمان‌های رقیب واگذار کرده است». رضایی که در پژوهش خود به تحلیل چند مدرسه در تهران پرداخته است، معتقد است که دانش‌آموزان نسبت به پیام‌های ایدئولوژیک در مدرسه مقاومت یا بی‌اعتنایی نشان می‌دهند. بر همین اساس، دانش‌آموزی که می‌بیند مادرش بعد از آنکه او را به مدرسه رساند، به محل کار می‌رود، چطور خانه‌نشینی مادر و زن را که در کتاب‌های درسی مدارس به شکلی ایدئولوژیک تبلیغ می‌شود، باور می‌کند؟ یا مثلا وقتی دانش‌آموز پسری با دخترهای فامیل یا همسایه بازی می‌کند و حضور آنها را درک می‌کند، چطور صرفا با پیام‌های نخ‌نماشده کتب درسی می‌تواند حذف آنها را از صحنه جامعه بپذیرد؟ دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و دیگر رسانه‌های بدیل نیز مقاومت و بی‌اعتنایی دانش‌آموزان به ایدئولوژی مدرسه را افزایش داده است. چسباندن عکس مریم میرزاخانی، بزرگ‌ترین ریاضی‌دان معاصر ایران یا طرح کتاب سال قبل، روی جلد «اصلاح‌شده» را می‌توان مصادیق این مقاومت یا بی‌اعتنایی دانش‌آموزان دانست.

چهارم. در اینکه شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان رسانه‌هایی بدیل برای رسانه‌های حکومتی می‌توانند ایفای نقش کنند، شکی نیست. در اینکه رسانه‌های حکومتی بنا به انواع و اقسام «مصالح» و منافع «نمی‌توانند» و نمی‌خواهند وارد خیلی از مسائل شوند یا آنها را آن‌طور که هست -البته اگر چنین چیزی اساسا ممکن باشد- مطرح کنند و اینجا شبکه‌های اجتماعی می‌توانند در رساندن صدای بی‌صدایان در راستای رسالت انسانی قدمی بردارند و حتی رسانه‌های حکومتی را مجبور به واکنش کنند و به سخن درآورند نیز شکی نیست. اما تجربه نشان داده است که مسائل و معضلات جدی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به موضوع سرگرمی طبقه متوسط اینستاگرام‌رو و توییتر تبدیل می‌شوند و به موج‌های سطحی و زودگذر تقلیل می‌یابند. موجی راه می‌افتد، پست‌هایی لایک می‌شوند، پیام‌هایی بازنشر می‌شوند، هشتگ‌هایی ترند می‌شوند و به‌زودی این موج تمام می‌شود و مسئله فراموش می‌شود: مثل داستان تجاوزها و تعرض‌های جنسی که الان در سایه موج جدید بسیار کم‌رنگ شد. در این فضاها معمولا شاهد عکس‌العمل‌های هیجانی و بدون تحلیل و عمق هستیم. مثلا در همین موردِ #حذف_دختران، پیشنهادهایی عجیب و یا حجمی از فحش و توهین در شبکه‌های اجتماعی به چشم می‌خورد. البته تأکید می‌کنم که اولا احساسات جریحه‌دارشده محترم‌اند و ثانیا شبکه‌های اجتماعی نیز خالی از بحث‌های دقیق و تحلیل‌های عمیق نیستند، اما اینجا مراد من وجه غالب محتوای این شبکه‌هاست.

آکادمی

محافظه‌کاری افراطی

بابک زمانی
نورولوژیست

تنها یک قانون فراموش‌شده در ارتش آلمان به دادگاه نورنبرگ اجازه داد حزب نازی را به خاطر جنایات جنگی به محاکمه بکشد؛ قانونی که می‌گفت دستوری که حیثیت و شرافت انسان و ارتش آلمان را لکه‌دار می‌کند، لازم‌الاجرا نیست و همه فرماندهان در انجام آن مسئولیت دارند. در ارتش و بسیاری از سیستم‌های اجتماعی این قاعده اخلاقی تردیدناپذیر از نظرها دور است، تا آن حد که اگر دادستان نورنبرگ آن قانون مهجور را نمی‌یافت، شاید پیشوا در آخرین شگردش، ارجاع مسئولیت همه جنایات به دستورات او و انتحارش، موفق می‌شد! اما در کار پزشکی این‌گونه نیست. برای یک رئیس بخش یا مسئول یک تیم درمانی هیچ‌چیز ترسناک‌تر از آن نیست که دریابد تمام اجزای آن تیم فقط او را تأیید می‌کنند و بی‌چون‌وچرا هرچه او می‌گوید انجام می‌دهند، چراکه تمام ابعاد مسئله در نظرگاه او نمی‌گنجد و در این صورت او و بیمار را خطرات بزرگ تهدید می‌کند؛ اما در چنین شرایطی هم هیچ‌کس آسوده‌تر از زیردستانی نیست که بعدها هم نه‌تنها در نورنبرگ‌های واقعی که حتی در نورنبرگ‌های درونی و وجدانی هم فقط به ارزش لایزال و آرام‌بخش اطاعت از دستورات و رعایت دستورالعمل‌ها پناه خواهند برد. آموزش پزشکی هم عمدتا آموزش تصمیم‌گیری است و استقلال رأی و البته آموزش شیوه مخالفت حتی با استاد! وگرنه اطلاعات خام با یک کلیک در چشم‌به‌هم‌زدنی فراهم می‌آیند. جامعه ما مدت‌هاست به خطرات افراط‌گرایی اشراف پیدا کرده و به‌شدت از آن اجتناب می‌کند اما گویا به نوعی افراط که به‌هیچ‌وجه خطری کمتر از سایر افراط‌ها ندارد، مبتلا شده‌ایم، آن‌هم چیزی نیست جز افراط در محافظه‌کاری! این رویکرد افراطی در شرایط متعارف، مردم و مسئولان را به بلایای فراوان مبتلا می‌کند؛ اما این بلایا و خطرات آن‌گاه که توفان بحران‌ها از راه می‌رسند و لایه‌های تعارف و تشریفات را کنار می‌زنند، با وضوح و شفافیت بیشتری رخ می‌نمایانند. وقتی یک مدرسه در حال معمول هم توان محافظت بهداشتی از دانش‌آموزان را ندارد و آشکار است که کنار هم چیدن این کودکان، خود آنها، شهر و کشور را به تمدید بحران کرونا مبتلا می‌کند، اجرای دستوری که شاید برای منطقه‌ای دیگر مناسب باشد از طرف مسئولان پایین‌دستی و عدم آمادگی ایشان برای تحمل کمترین توبیخ و هزینه جز محافظه‌کاری افراطی چه چیز دیگری است؟ وقتی که مسئولان بالادستی تنها اطاعت کورکورانه می‌طلبند و فقط برای آن ارزش و اعتبار قائل‌اند، این پدیده را جز «محافظه‌کاری افراطی» و تبلیغ آن چه چیز دیگری می‌تواند نامید؟ وقتی امورات آموزش پزشکی در این یا آن بخش آموزشی در شرایط غیربحرانی هم به دشواری فراوان رتق‌وفتق می‌شود و هیچ‌گاه به نتیجه مطلوب نمی‌رسد، به‌ناگاه و بدون تمهیدات لازم با افزایش ظرفیت‌های آموزشی آن هم در اوج بحران کرونا که تأثیرات عمیقی بر آموزش گذاشته مواجه می‌شویم، ادامه کار به هر قیمت و اکتفا به نامه‌ها و بیانیه‌های اعتراضی چه معنایی جز محافظه‌کاری افراطی دارد؟ مسئولان فرادست به چه چیز بیش از بازخورد تصمیمات‌شان نیاز دارند؟ آیا با پرستاری که در اشتباه لپی تزریق یک داروی خطرناک را چشم‌بسته انجام می‌دهد، راحت‌ترند یا پرستاری که داروها و خطرات آنها را می‌شناسد و سر باز می‌زند؟ آیا به اطلاع از موانع و دست‌اندازهایی که در انجام کارها وجود دارد، نیاز ندارند؟ گره‌گاه‌هایی که انجام بهینه کارها را ناممکن می‌کند، اما در نظرگاه ایشان نیست! آیا تخت‌گاز رفتن بدون احتساب کوچک‌ترین مانعی، آن‌هم وقتی راه، بیراهه است منجر به سقوط در دره نمی‌شود؟ محافظه‌کار افراطی تمام مسئولیت را از جانب فرمان‌دهنده می‌داند، حاضر به کوچک‌ترین تلاش عملی با پرداخت کمترین هزینه برای تأثیرگذاری بر تصمیمات نیست و زمان اصلاح‌طلبی هم تنها راه‌حل را نشستن بر جایگاه تصمیم‌گیری می‌داند و نه تعامل عملی با تصمیم‌گیر (همه یا هیچ) و وقتی کار تعامل دشوار شد، همه‌چیز را به کناری می‌گذارد و به استراحت‌گاه ابدی اطاعت از دستورات یا نفی هر عملی پناه می‌برد. نهایت تعامل هم در ذهن او مکاتبه است و بیانیه، تعامل عملی جایگاهی در این جهان‌بینی ندارد. گویی جهان محل تنازع نوشته‌هاست و نه نیروها و تعاملات! سیستمی که تحت فشار، برخی مشکلات خود را با بازگشایی سراسری مدارس یا افزایش ظرفیت دستیاری کاهش می‌دهد در رویارویی با نیروهای دیگری که بنا بر حق ذاتی‌شان حاضر به این کارها نیستند، به تعادل بهتری می‌رسد و واسطه نوعی گفت‌وگوی اجتماعی هم می‌شود. ناگفته پیداست که موضوع دستیاری و مدارس تنها مثال‌هایی هستند برای آشکار نمایاندن پدیده «محافظه‌کاری افراطی» که این روزها در همه بخش‌ها جریان دارد.

گزارش

شهرداری با بودجه اربعین چه می‌کند؟

نذرهای اربعین در سال کرونایی

ماه‌ها پیش وقتی کیانوش جهانپور سخنگوی وزارت بهداشت بود، در گفت‌وگویی ویدئویی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خودش را برگزاری راهپیمایی اربعین دانسته بود. آن زمان چند ماهی به محرم مانده بود و هنوز از پیک دوم کرونا هم خبری نبود. حالا اما ما از موج دوم کرونا و همچنین برگزاری مراسم محرم گذشته‌ایم و در آستانه راهپیمایی اربعین قرار داریم؛ جایی که دیگر تصمیم‌گیری دولت خودمان درباره برگزاری یا عدم برگزاری مراسم به‌تنهایی مهم نبود و باید موافقت طرف عراقی هم کسب می‌شد. آن‌چنان که سفیر ایران در عراق و پس از او، وزیر بهداشت عراق خبر داده‌اند، امسال از راهپیمایی اربعین خبری نیست. ایرج مسجدی، سفیر ایران در عراق، هفته پیش اعلام کرده بود که دولت مرکزی عراق با توجه به بحران همه‌گیر کرونا به ما اعلام کرده است که به‌هیچ‌وجه اجازه ورود زوار اربعین از ایران و دیگر کشورهای خارجی را نمی‌دهد و در عمل این به معنای آن است که پرونده اربعین ۹۹ و ورود زوار خارجی به این کشور بسته شده است. «سیف‌البدر»، سخنگوی وزارت بهداشت عراق، نیز اعلام کرد که مطابق مصوبه ستاد مرکزی مبارزه با کرونا، ورود زائران خارجی اربعین به کشور ممنوع است و هیچ تصمیم جدیدی درباره گشودن مرزها در ایام اربعین به روی زائران دیگر کشورها گرفته نشده است. به این ترتیب احتمالا باید پرونده راهپیمایی اربعین را بسته دانست. رئیس‌جمهور روحانی هم دو روز پیش اعلام کرد که امسال از راهپیمایی اربعین خبری نیست. با این حال و تا پیش از این، بسیاری در کشور در حال تدارک برای اربعین بودند. ازجمله هفته گذشته در استان خراسان شمالی، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی این استان از تأمین زمین لازم برای استقرار موکب‌های این استان در مرز مهران خبر داد؛ مسئله‌ای که سالانه هزینه برای آن می‌شد و امسال با تعطیلی مراسم معلوم نیست قرار است با آن چه کنند. برای مثال همین استان خراسانی شمالی که توصیفش گفته شد سال گذشته در موکب‌هایش توانایی تغذیه و اسکان روزانه ۱۱ هزار نفر را داشته که با توجه به تعطیلی مراسم امسال احتمالا این پتانسیل بدون استفاده خواهد بود. در ایام محرم امسال هم اگرچه مراسم عزاداری برگزار شد، اما شدت برگزاری مراسم به اندازه سال‌های گذشته نبود و بسیاری از هیئت‌ها تصمیم گرفتند به جای برگزاری مراسم عزاداری اقدامات عام‌المنفعه‌ای را در راستای رفاه عمومی و همچنین کمک به مقابله با کرونا انجام دهند. به نظر می‌رسد باید با پذیرفتن کرونا و دوران جدید زندگی با آن تغییراتی در سبک زندگی‌ها و بسیاری از آداب‌ورسوم بدهیم. وقتی اجتماعات بزرگی مثل حج و پیاده‌روی اربعین تعطیل می‌شوند، راهی نمی‌ماند جز پذیرفتن نظم جدید جهانی. شورای شهر تهران از آن نهادهایی است که هر سال بودجه‌ای را برای راهپیمایی اربعین اختصاص می‌دهد. به همین منظور با مجید فراهانی، عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه شورای اسلامی شهر تهران درباره سرنوشت بودجه اربعین گفت‌وگو کردیم. مجید فراهانی دراین‌باره به «شرق» می‌گوید: شرایط ناشی از شیوع کرونا و لزوم حفظ فاصله‌گذاری اجتماعی سبب شده است تا از ابتدای سال ۱۳۹۹ تاکنون برخی اقدامات رویدادمحور شهرداری تهران در حوزه مناسبت‌های ملی و مذهبی اجرائی نشود یا در ماهیت اجرای آن تغییراتی به وجود آید؛ برای نمونه، ما در ایام عید به علت شیوع کرونا شاهد برگزاری و اجرای نوروزگاه‌ها در سطح مناطق نبودیم، اما در مقابل در حد توان با تأمین و توزیع سبدهای معیشتی در میان زنان سرپرست خانوار و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر از معیشت آنها در برابر شرایط اقتصادی ناشی از شیوع کرونا حمایت شد. در حقیقت ما در بودجه ردیف اعتباری خاصی برای کرونا نداریم که بگوییم هزینه این اقدامات شهرداری از محل آن تأمین شده است، بلکه در قالب یکی از تبصره‌های بودجه به شهردار تهران اجازه داده شده است تا در هنگام بروز بحران از سرجمع اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی سرمایه‌ای مصرف کند و هزینه‌های انجام‌شده را در قالب کد اعتباری معینی ثبت کنند، بر همین اساس آنچه تاکنون شهرداری هزینه کرده است از محل عدم هزینه در ردیف‌های اعتباری است که در نتیجه شرایط ناشی از شیوع کرونا هزینه در آنها امکان‌پذیر نبوده است و این ردیف‌های اعتباری دامنه متنوعی دارند و صرفا به حوزه مأموریت اجتماعی و فرهنگی محدود نیستند و حتی ردیف‌های حوزه خدمات شهری و محیط زیست را در بر می‌گیرند. عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه در پاسخ به این پرسش که آیا شورا برنامه‌ای جهت هزینه‌کرد بودجه اربعین دارد و مثلا قصد دارد با راه‌اندازی کمپین‌هایی برای تأمین سخت‌افزار مورد نیاز دانش‌آموزان کم‌بضاعت در این روزهای آموزش آنلاین قدمی بردارد یا خیر، گفت:

درباره اعتبارات اربعین و هزینه آن در مسیر حمایت از دانش‌آموزان نیازمند که مورد سؤال است توجه به این نکته ضروری است که هزینه سالانه شهرداری تهران برای اربعین حسینی (ع) در بوجه مصوب سالانه لحاظ نمی‌شود بلکه هر سال شهردار با ارائه لایحه‌ای از شورا مجوز هزینه را از محل صرفه‌جویی در سرجمع منابع و مصارف بودجه مصوب اخذ می‌کنند که با توجه به شرایط ناشی از شیوع کرونا و محدودیت‌های وضع‌شده از سوی ستاد کرونا شهرداری لایحه مجوز هزینه برای اربعین حسینی (ع) را در سال جاری ارائه نخواهد کرد. البته فراموش نکنیم که سیاه‌پوش‌کردن معابر و تبلیغات محیطی از سوی شهرداری امری است که باید انجام شود و مطالبه‌ای است که باید پاسخ داده شود، بر همین اساس با یک نگاه نمی‌توان به موضوع نگریست و خواستار هزینه اعتبارات این موضوع برای مسئله دیگری شد، در هر حال وظایف ذاتی شهرداری باید انجام شود و با نگرشی جامع به این موضوعات نگریست.

برای جذب مشارکت شهروندان و تأمین مالی عام‌المنفعه برای خدمت‌رسانی به شهروندان آسیب‌دیده در طرح الحاق موادی به مصوبه بسته محرک اقتصادی ناشی از شرایط کرونا با پیشنهاد بنده، یک ماده به تصویب شورا رسید که براساس آن به‌منظور جذب کمک‌های مردم و استفاده از ظرفیت ایفای مسئولیت اجتماعی شهروندان و شرکت‌ها شهرداری مجاز به تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری با رعایت الزامات و مقررات سازمان بورس و اوراق بهادار شده است تا شهروندان خیّر کمک‌های‌شان را در یک سازوکار شفاف، قانونی و تحت نظارت سازمان بورس در قالب صندوق نیکوکاری برای حمایت از کودکان کار، کارتن‌خواب‌ها و... برای تأمین مالی مبتنی‌بر اصل سرمایه، اصل و سود یا بخشی از سود در اختیار شهرداری تهران قرار دهند تا شهرداری صرف حمایت و کمک به این عزیزان کند.

زنان

ازفوتبال جنسیت‌زدایی می‌شود؟

در ادبیات رسمی که حتی فدراسیون جهانی فوتبال هم از آن بهره می‌برد، عبارت «فوتبال» به رقابت‌های مردان بازمی‌گردد و برای اشاره به رقابت‌هایی که زنان در آن حضور دارند حتما باید پسوند «زنان» به آن بچسبد. ازاین‌رو عنوان «جام جهانی فوتبال» یقینا به فوتبال مردان اشاره دارد، اما برای اشاره به جام جهانی که زنان در آن حضور دارند حتما باید پسوند «زنان» به عبارت جام جهانی فوتبال بچسبد. این شاید ابتدایی‌ترین مسئله‌ای است که نشان از تبعیض جنسیتی در فوتبال دنیا دارد. مهم‌ترین و بارزترین مسئله‌اش اما مسئله دستمزدهای فوتبال زنان در برابر مردان است؛ چیزی که بعد از قهرمانی آمریکا در جام جهانی اخیر و به سردمداری مگان راپینو به کارزاری بزرگ تبدیل شد و حتی منجر به استعفای رئیس فدراسیون فوتبال آمریکا هم شد. ۲۸ عضو تیم ملی فوتبال زنان آمریکا سال گذشته از فدراسیون فوتبال ایالات متحده به دلیل «دریافت دستمزد کمتر از مردان تیم ملی با وجود بازدهی بهتر تیم ملی زنان» شکایت کرده بودند.حالا اما در ادامه مبارزات زنان برای ازبین‌بردن تبعیض جنسیتی در فوتبال یک فوتبالیست زن ژاپنی به تیم مردان پیوسته است. یوکی ناگازاتو که ستاره تیم ملی ژاپن است و با این تیم قهرمانی جهان در سال ۲۰۱۱ را هم تجربه کرده است، می‌گوید با پیوستنش به تیم مردان سعی دارد پیامی در راستای رفع تبعیض جنسیتی در فوتبال به سرتاسر دنیا بدهد. یوکی ناگازاتو، مگان راپینوی آمریکایی را الگوی خود می‌داند و هدف از این تصمیم را کمک به ایجاد جامعه‌ای عنوان کرده که در آن هیچ مرزی میان افراد از نظر جنسیت و نژاد وجود نداشته باشد. ملی‌پوش زن ژاپنی در جریان یک کنفرانس خبری درباره این تصمیم بیشتر توضیح داد و انتقال قرضی‌اش به یک تیم مردان را پیامی آشکار در مخالفت با برخوردهای تبعیض‌آمیز خواند. مهاجم ۳۳ساله تیم ملی زنان ژاپن که هم‌اکنون در لیگ حرفه‌ای آمریکا بازی می‌کند و با تیم «ستاره‌های سرخ شیکاگو» قرارداد دارد، قرار است به صورت قرضی در این فصل به «هایابوشا الون»، یک تیم مردان ژاپنی که در سطح آماتور فعالیت می‌کند، بپیوندد. یوکی ناگازاتو در ادامه سخنانش گفت که همیشه از خود می‌پرسیده که آیا می‌تواند حامل پیامی برای جامعه باشد؟ مهاجم تیم ملی زنان ژاپن همچنین بار دیگر تأکید کرد که انتقال قرضی به یک تیم مردان شاید بتواند بستر مناسبی برای رساندن پیامی ضدتبعیض و کمک به ایجاد جامعه‌ای به دور از هرگونه مرزبندی جنسیتی و نژادی باشد. او می‌گوید که در این راه از مگان راپینو، دارنده دو عنوان قهرمانی جهان با تیم ملی فوتبال زنان آمریکا برای مبارزات ضدتبعیض و نابرابری‌های اجتماعی الهام گرفته است. ناگازاتو در عین حال این نکته را نیز یادآور شد که واقعا نمی‌داند تا چه حد از نظر ورزشی می‌تواند به تیم جدیدش که برادر بزرگش نیز عضو آن است، کمک کند. اقدام یوکی ناگازاتو را شاید بتوان تلاش مهمی در جهت رفع تبعیض جنسیتی در دنیای فوتبال دانست؛ برای تصور اینکه در سال‌های آتی فوتبال دنیا نگاه یکسانی به فوتبال زنان و مردان داشته باشد و عبارت «فوتبال» به تنهایی یادآور جنسیت بازیکنان نباشد و از فوتبالی بدون جنسیت خبر بدهد.

نظرسنجی

رفتار تبعیض‌آمیز با سیاهان

در این روزها که تظاهرات علیه رفتار با سیاهان در آمریکا ادامه دارد، مؤسسه نظرسنجی گالوپ در ماه‌های تیر و مرداد یک نظرسنجی انجام داده است که نشان می‌دهد برخورد عادلانه‌تری با سیاهان در این روزها انجام می‌شود؛ اما این دلیل نمی‌شود که در مجموع با سیاهان رفتار منصفانه شود. ۵۵ درصد افراد حاضر در نظرسنجی می‌گویند برخورد پلیس با سیاهان منصفانه نیست و ۴۵ درصد از سیاه‌پوستان آمریکایی گزارش رفتار ناعادلانه با خودشان به‌دلیل نژادپرستی را گزارش می‌دهند. در همان زمان‌هایی که آمریکایی‌ها نسبت به رفتار با سیاه‌پوستان نارضایتی بیشتر داشتند، اغلب افراد حاضر در این نظرسنجی معتقدند در شش موقعیت روزمره غیرعادلانه رفتار می‌شود، این همان روندی است که در نظرسنجی‌های سال ۹۷ نیز مشهود بود. این موارد شامل بازدید از فروشگاه‌ها و مغازه‌های محله، کار، دریافت خدمات بهداشتی، پلیس یا حضور در رستوران‌ها، کافه‌ها، تئاترها و سایر اماکن تفریحی است؛ اما ۵۵ فرد حاضر در نظرسنجی معتقدند پلیس‌ها حتی در مسائلی مانند چراغ قرمز نیز با سیاهان شدیدتر رفتار می‌کنند. در پنج مورد دیگر حدود ۳۱ تا ۳۷ درصد معتقدند با سیاهان کمتر منصفانه رفتار می‌شود. نیمی از آنها فکر می‌کنند حتی مغازه‌های محلی نیز از این برخورد مستثنا نیستند و تقریبا همین تعداد معتقدند رعایت‌نشدن برابری و انصاف در رستوران‌ها، کافه‌ها، تئاترها یا سایر اماکن تفریحی به چشم می‌خورد. مؤسسه نظرسنجی گالوپ به طور دوره‌ای از بزرگسالان ایالات متحده می‌پرسد که آیا آنها فکر می‌کنند در شرایط روزمره کمتر با افراد سیاه‌پوست نسبت به سفیدپوستان انصاف رعایت می‌شود؟ در آخرین نظرسنجی که دو ماه پیش- در اوج اعتراضات در پی کشته‌شدن یک سیاه‌پوست و جنبش زندگی سیاهان هم مهم است - انجام گرفت، این سؤال پرسیده شده که آیا آنها شخصا در ۳۰ روز گذشته رفتار ناعادلانه‌ای را تجربه کرده‌اند؟ تقریبا یک‌چهارم آمریکایی‌های سیاه‌پوست گزارش می‌کنند که در مغازه با آنها برخورد ناعادلانه شده است، درحالی‌که افراد کمتری درباره برخورد با پلیس، در محل کار، دریافت مراقبت‌های بهداشتی یا بازدید از رستوران، بار، تئاتر یا مکان‌های تفریحی دیگر همین حرف را می‌زنند. این داده‌ها مشابه آخرین باری است که گالوپ در اواخر سال ۲۰۱۸ انجام داده است. شاید این تشابه به این دلیل باشد که مردم بیشتری به خاطر کرونا در خانه‌ها مانده بودند؛ اما در پنج موقعیت دیگر، ۴۵ درصد از پاسخ‌دهندگان سیاه‌پوست می‌گویند که در حداقل یک مورد با آنها ناعادلانه رفتار شده است، ازجمله ۲۵ درصد آنها در بیش از یک مورد، با رفتار تبعیض‌آمیز روبه‌رو شده‌اند.

همان‌طورکه بسیاری از آمریکایی‌ها در تظاهرات برای عدالت نژادی حضور دارند، بزرگسالان ایالات متحده بیش از هر زمان دیگری از سال ۱۹۹۷ تابه‌حال می‌گویند که با سیاه‌پوستان غیرعادلانه رفتار می‌شود و برای آمریکایی‌های سیاه‌پوست بسیار بیشتر از آمریکایی‌های سفیدپوست احتمال نابرابری و بی‌عدالتی وجود دارد و تقریبا نیمی از آنان می‌گویند که در ماه قبل از نظرسنجی رفتار ناعادلانه‌ای را تجربه کرده‌اند.